

روایت رهبر انقلاب از فرار شاه

۲۶ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۸

در اوایل رفتن رضاخان که هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بر طبق اطلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشروفت‌های آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست.

پایگاه اطلاع رسانی IR.KHAMENEI به مناسبت سالگرد فرار شاه از ایران در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷ کلیپ صوتی «طليعه پیروزی» را منتشر می‌کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این کلیپ صوتی با نگاهی گذرا به دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی، مقاطعی ذلت‌بار از حکومت پهلوی را برمی‌شمارند.

سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در این صوت می‌شنوید:

* [در شهریور ۱۳۲۰] رضا خان به وسیله‌ی حامیان قبلی خود از سلطنت عزل شد و از ایران بیرون رفت. محمد رضا را بر سر کار آوردن؛ با قرار تسلیم محض در مقابل انگلیسی‌ها! هر کاری آن‌ها می‌خواستند، انجام می‌داد؛ دیگر احتیاج به استعمار نبود! وقتی که یک خائن ایرانی حاضر است در مقابل کمک بیگانه، بر ملت ایران سلطنت و حکومت کند و خواسته‌ی آن بیگانه را در ایران اعمال نماید، دیگر چه لزومی دارد زحمت استعمار را به خودشان بدهند؟ این کار را کردند.

دیدار مردم قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

* در اوایل رفتن رضاخان که هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بر طبق اطلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشروفت‌های آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن شخص، خبر را به محمدرضا می‌دهد. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن وقت سفیر انگلیس می‌گوید: «حالا دیگر عیوبی ندارد؛ می‌شود او را به سلطنت انتخاب کرد.» رژیم و دولتی که در راس آن کسی قرار دارد که تا این حد به یک سفارت بیگانه وابسته است که آنها برای سلطنت او شرطهای حقیر و ذلت‌آوری از این قبیل معین می‌کنند و او هم آن شرطها را می‌پذیرد و عمل می‌کند تا آنها او را به سلطنت برسانند، معلوم است که چقدر به بیرون از این مرزها و به قدرتهای خارجی وابسته است.

سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۴/۰۳/۱۴

* بعد از آنکه حکومت مصدق را [در مرداد سال ۱۳۳۲] سرنگون کردند البته قبل از مرحوم آیت‌الله کاشانی را با ترفندات خودشان منزوی کردند، کنار زدند و با بی‌تدبیری‌هایی که انجام گرفت کنار گذاشتند باز سر کار آمدند و وارد ایران شدند و توائینشند با نفوذ خود، با ایادی خود، با فعالیت خود، کودتای ۲۸ مرداد را به وجود آورند و محمد رضا را که از ایران فرار کرده بود، به ایران برگردانند. بیست و پنج سال بعد از آن، حکومت دیکتاتوری سیاه پهلوی ادامه پیدا کرد.

دیدار مردم قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

* [یک خصوصیت] این رژیم خبیث، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرید که مبتلا به تقریباً همهٔ درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند اینها بود که دیگر حالا داستانهایش شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم میدانستند، اگرچه جرأت نمیکردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمیرفت، چیزهایی را میگفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متواتر که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر، در عالی‌ترین سطوح کشور. از طرف شخص محمدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشووهای بدترین دست‌اندازی‌ها، خباثت‌آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست میکردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی به وسیلهٔ عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به وجود آمد و اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

* استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق - از جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها بینندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدین کردند. اینها عبرت‌آموز است که به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیسیس براحتی میتواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ در دبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومتهای دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آورده‌اند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکرماناب میشود؛ در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل برهی رامه «اسد علیّ و فی الحروب نعامه». همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آنجور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود - که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه‌های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمیکرد - در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسیها که گفتند «باید از سلطنت کناره بگیری»، مثل موشی مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمد رضای پهلوی محمد رضای پهلوی در سالهای دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان - خشن‌بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع میکرد و از آنها حرف میشنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است.

دیدار مردم کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

* روزی که محمدرضا از ایران فرار کرد، در واقع رژیم پادشاهی از بین رفته بود. او دید ماندنش دیگر فایده‌ای ندارد. لذا مجسمه‌ای از فرد بیچاره بدخت بدنامی که بدنامتر هم شد، درست کردند تا چند روزی رژیم در آستانه انحلالِ کامل را نگه دارند. او سی، چهل روز بر سر کار ماند، تا این‌که امام آمد و با یک اشاره دستِ ایشان، همه چیز روی هم ریخت. نظام پادشاهی در ایران پوک شده بود. به خاطرِ چه؟ به خاطرِ حضور مردم. مردم به چه خاطر به میدان آمدند؟ به خاطر دین. چون شعار، شعارِ اسلامی بود؛ چون پیشوایانِ اسلامی و روحانیونِ مورد اعتمادِ مردم بودند.

خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۳۶۲/روایة-رهبر-انقلاب-فارغ-شاه>